

مدیریت اختلالات ژئوپلیتیکی، امنیت و ریسک
زنجیره تامین

تاب آوری در فورواردری

حسین ناجی پور اختلالات سال‌های اخیر یک واقعیت مهم را پررنگ کرده‌اند: بهره‌وری بدون تاب آوری می‌تواند شکنندگی پنهان ایجاد کند. درگیری، بسته شدن مسیرها، حوادث امنیتی، تغییرات گمرکی، تحریم‌ها، تهدیدهای سایبری و محدودیت زیرساختی می‌توانند یک حمل عادی را سریعاً به مسئله‌ای پیچیده در مدیریت ریسک تبدیل کنند. در دستور کار 2026 FIATA، تاب آوری، ایمنی، امنیت، گمرک و اثر بحران‌های خاورمیانه از موضوعات مهم صنعتی فورواردری هستند. وقتی یک کریدور دریایی مهم قابلیت اتکای خود را از دست می‌دهد، پیامدهای مستقیم می‌تواند شامل طولانی تر شدن سفر، مصرف سوخت بیشتر، بی نظمی برنامه، عدم تعادل تجهیزات، ازدحام و افزایش هزینه بیمه یا امنیت باشد. پیامدهای ثانویه نیز مهم‌اند: از دست رفتن پنجره تولید، دموژاژ و دیتنشن، کمبود موجودی، تأخیر جریان نقدی و اختلاف در باره هزینه‌های پیش بینی نشده. بنابراین ارزیابی مسیر باید فراتر از نرخ کرایه اولیه و بر مبنای ریسک کل انجام شود. فورواردر تاب آور پیش از ایجاد بحران، گزینه جایگزین می‌سازد: کریر دوم، بندر جایگزین، فیدر، مسیر زمینی، ریل یا کامیون، روش Escalation برای Airfreight و پروتکل ارتباطی از پیش تعریف شده. هدف پیش بینی همه بحران‌ها نیست؛ هدف کاهش زمان واکنش است. این امر به داده دقیق، اختیار روشن برای تصمیم‌گیری و شبکه‌ای از شرکای قابل اعتماد نیاز دارد. امنیت لجستیک مدرن فقط امنیت فیزیکی کالانیتست، دستور جعلی آزادسازی، ایمیل‌هاک شده یا تغییر تقلبی اطلاعات بانکی می‌تواند به اندازه سرعت فیزیکی خسارت ایجاد کند. بالکترونیکی شدن اسناد و Cargo Release، احراز هویت، کنترل دسترسی، Audit Trail و تبادل امن داده به کنترل‌های پایه عملیاتی تبدیل می‌شوند. امنیت سایبری باید بخشی از امنیت Shipment تلقی شود، نه مسئله‌ای جداگانه برای واحد IT. در دوره تغییر سریع مقررات، انطباق مرزی می‌تواند گلوگاه شود. فورواردر باید فرایند منظم برای طبقه‌بندی، مبدا، کیفیت داده و نگهداری سوابق داشته باشد و تغییرات مقررات را پایش کند. چارچوب‌های اطلاعات الکترونیکی می‌توانند کاغذبازی را کاهش دهند، اما اهمیت صحت داده را بیشتر می‌کنند؛ زیرا خطای دیجیتال نیز می‌تواند سریع‌تر میان چند سیستم منتشر شود تاب آوری به شفافیت تجاری هم وابسته است. QUOTATION و قرارداد باید مدت اعتبار، مفروضات، استثناها و نحوه برخورد با هزینه‌های فوق العاده یا تغییر مسیر را مشخص کنند. هنگام اختلال، مشتری باید توضیح روشن درباره وضعیت، گزینه‌ها، هزینه‌های اضافه و مهلت تصمیم‌گیری را یافت کند. اعتماد زمانی ساخته می‌شود که فورواردر Trade-off ها را شفاف کند، نه اینکه قطعیتی را وعده دهد که بازار قادر به ارائه آن نیست. یک چارچوب کاربردی پنج لایه دارد: Communication, Authority, Alternatives, Visibility, Learning یعنی شناخت دقیق وضعیت، داشتن مسیر و تامین‌کننده جایگزین، مشخص بودن اختیار تصویب هزینه یا تغییر مسیر، اطلاع رسانی سریع و مستند و بازبینی پس از هر حادثه این پنج لایه تاب آوری را از شعار به رفتار عملیاتی قابل تکرار تبدیل می‌کند. بازار لجستیک همچنان با شوک‌های گوناگون مواجه خواهد شد. پاسخ پایدار، نگهداری دائمی ظرفیت مازاد نیست؛ بلکه سازگاری سازمانی است. فورواردرهایی که عمق شبکه، گزینه‌های چندوجهی، امنیت اطلاعات، دانش مقرراتی و ارتباط منظم با مشتری را ترکیب کنند، می‌توانند ضمن حفاظت از منافع خود و مشتری، عدم قطعیت را به مزیت خدماتی تبدیل کنند.

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران



گروه اقتصاد - مرتضی فاخری - اعلام فروش ده هزار دلار به هر ایرانی از سوی بانک مرکزی در پاییز ۱۴۰۵ واکنش‌های گسترده‌ای را در میان کارشناسان اقتصادی و فعالان سیاسی برانگیخت. این سیاست که در مرحله نخست با عرضه یک میلیارد دلار و با هدف مهار جهش نرخ ارز آغاز شد، از همان روزهای ابتدایی میان دو نگاه متضاد قرار گرفت. گروهی آن را مداخله‌ای هوشمندانه در برابر هیجان روانی بازار و تقابلی آشکار با فشار خارجی دانستند و گروهی دیگر آن را مصداق روشن ارزپاشی، تخلیه ذخایر استراتژیک و هدر دادن منابع کمیاب کشور خواندند. داوری منصفانه در این میان نیازمند تفکیک دقیق میان منطق درونی طرح، شرایط اجرایی آن و بافتار اقتصاد سیاسی حاکم بر تصمیم‌گیری است. بدون چنین تفکیکی، هر قضاوتی به شعار نزدیک‌تر خواهد بود تا به تحلیل.

از دید تحلیل اقتصادی، زمانی که محرک اصلی رشد قیمت ارز کمبود فیزیکی اسکناس در بازار باشد و بانک مرکزی از ذخیره کافی ارز برخوردار باشد، فروش ارز می‌تواند ابزاری کارآمد برای مقابله با این محرک تلقی شود. در چنین شرایطی بانک مرکزی هم‌زمان دو کارکرد مهم را انجام می‌دهد: نخست، عرضه اسکناس به بازار و کاهش فشار تقاضا. دوم، جمع‌آوری ریال از دست خریداران و اعمال نوعی سیاست انقباضی پولی. برآوردها نشان می‌داد که فروش ده میلیارد دلار در چارچوب این طرح می‌توانست صدها هزار میلیارد تومان نقدینگی را از گردش بازار خارج کند و به این ترتیب فشار تورمی ناشی از نقدینگی سرگردان را نیز کاهش دهد. این وجه طرح کمتر مورد توجه قرار گرفت، در حالی که می‌توانست به اندازه خود مهار نرخ ارز اهمیت داشته باشد. شواهد آماری نیز تا حدی این ادعا را تایید می‌کرد. نوسان قیمت دلار در روزهای پس از اجرای طرح به شکلی محسوس کاهش یافت، در حالی که در هفته‌های پیش از آن بازار شاهد جهش‌های پرشتاب و بی‌سابقه بود. این کاهش نوسان هر چند موقتی، نشان می‌داد که سیگنال

عرضه گسترده ارز توانسته است انتظارات منفی فعالان بازار را تا اندازه‌ای مهار کند و فضای روانی بازار را از حالت التهابی خارج سازد. با این حال، دفاع صرف از این سیاست و نادیده گرفتن نقدهای جدی وارد بر آن تحلیلی ناقص خواهد بود. نخستین و شاید مهم‌ترین ایراد وارد بر این طرح مسئله هدف‌گیری و عدالت توزیعی است. برای خرید ده هزار دلار، یک خانواده چهارنفره به بیش از پنج میلیارد تومان ریال نیاز داشت، مبلغی که از توان بخش بزرگی از خانوارهای ایرانی خارج بود. بنابراین در عمل این ارز نه به دست مردم عادی و نیازمندان واقعی، بلکه به دست صاحبان سرمایه، دلالتان و واسطه‌ها می‌رسید. این ویژگی طرح را از یک ابزار حمایتی به سازوکاری برای تخصیص راندمن‌محور ارزی تبدیل می‌کرد و عملاً بخشی از پاره پنهان ارزی را به گروه‌هایی هدایت می‌کرد که کمترین نیاز را به آن داشتند. به بیان دیگر، طرحی که با شعار حمایت از مردم طراحی شده بود، در عمل به سازوکاری برای بازتوزیع منابع به سود گروه‌های برخوردار بدل می‌شد و این تناقض آشکار، اعتبار سیاست را نزد افکار عمومی خدشه‌دار می‌کرد.

دومین ایراد خطر سوءاستفاده از طریق کارت‌های ملی اجاره‌ای بود. امکان خرید با کارت ملی دیگران زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌هایی از افراد اجیر شده می‌شد که تنها برای دریافت کارمزدها، کارت ملی خود را در اختیار خریداران عمده قرار می‌دادند. چنین سازوکاری نه تنها تقاضای سوداگران را کاهش نمی‌داد، بلکه می‌توانست آن را تشدید کند و رقابت سالم بازار را مختل سازد. تجربه طرح‌های مشابه در سال‌های گذشته نیز نشان داده بود که در نبود سازوکار نظارتی دقیق، چنین طرح‌هایی به سرعت به کانال‌هایی برای انتقال رانت بدل می‌شوند و نتیجه معکوس می‌دهند. نظارت بر توزیع ارز در اقتصادی که شبکه‌های غیررسمی گسترده‌ای دارد، کاری دشوار و پرهزینه است و همین دشواری، ریسک اجرایی طرح را به شکلی جدی افزایش می‌داد. سومین نقدها به ریسک تخلیه ذخایر استراتژیک

«سرآمد» تحلیل می‌دهد:

«فروش ده هزار دلاری» تدبیر اضطراری یا ارزیابی استراتژیک؟

بلکه به کسری بودجه، تورم مزمن، انتظارات تورمی و ریسک‌های سیاسی و اقتصادی غیرقابل کنترل مرتبط بود. در چنین بافتاری فروش ارز تنها می‌تواند نقش یک مسکن را ایفا کند، نه درمان ریشه‌ای. مسکن درد را موقتاً تسکین می‌دهد، اما اگر بیماری اصلی درمان نشود، درد بار دیگر و شاید شدیدتر باز خواهد گشت. تجربه‌های پیشین بازار ارز در ایران نیز گواه همین واقعیت است. هرگاه مداخله ارزی بدون اصلاح محرک‌های بنیادین انجام شده، اثر آن کوتاه‌مدت و ناپایدار بوده است و پس از مدتی بازار به مسیر قبلی خود بازگشته است. بنابراین موفقیت طرح را نباید به معنای موفقیت سیاست ارزی کلان تفسیر کرد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که فروش ده هزار دلاری از منظر تئوریک ابزاری مشروع و در شرایط خاص کارآمد است، اما در بافتار اقتصاد سیاسی ایران و با توجه به نحوه اجرای آن سیاستی پریسک و بحث‌برانگیز بود. موفقیت این طرح به طور هم‌زمان مشروط به سه شرط بود: نخست، کافی و پایدار بودن ذخایر اسکناس. دوم، توان دولت در جلوگیری از سوءاستفاده، تراستی‌بازی و رانت، سوم، توقف هم‌زمان سایر محرک‌های بنیادین رشد قیمت ارز. نقض هر یک از این شرایط می‌توانست این اقدام را از یک تدبیر اضطراری به ارزپاشی و تخلیه ذخایر تبدیل کند. بنابراین قضاوت مطلق درباره درست یا نادرست بودن آن ممکن نیست و هر داوری قطعی، بخشی از واقعیت را نادیده می‌گیرد. آنچه می‌توان گفت این است که این سیاست مداخله‌ای اضطراری با هزینه‌های بالا بود که نقدهای جدی بر هدف‌گیری، پیامدهای توزیعی و پایداری بلندمدت آن وارد است و در نهایت جایگزین اصلاحات ساختاری پایدار در اقتصاد ایران نخواهد بود. سیاست ارزی موفق، سیاستی است که هم‌زمان با مدیریت بازار، به ریشه‌های تورم و کسری بودجه نیز بپردازد و بدون چنین رویکردی جامعی، هر مداخله‌ای در بازار ارز تنها چرخه‌ای تکراری از آرامش موقت و التهاب دوباره خواهد بود.

قوة قضائیه - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران - آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای امیررضا فهمی وحید برابر و کالتنامه شماره ۱۹۱۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ دفتر ۱۰۷۹ تهران به عنوان وکیل نادر کاوسی به عنوان مالک با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شناسه یکتا به شماره ۱۵۱۰۳۲۲۰۰۰۲۱۵۰۲۱۴۰۵ و رمز تصدیق به شماره ۶۸۴۷۸۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۰۸ حوزه ثبتی تهران و برگ تقاضا به شماره وارده ۲۶۳۴۶ مورخ ۱۰۷۸۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ مدعی فقدان یک و نیم دانگ سند مالکیت شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی واقع در سمت جنوب غربی طبقه ۵ به مساحت ۱۱۳/۲۲ متر مربع که مقدار ۳/۲۲ متر مربع آن به صورت بالکن می‌باشد قطعه ۱۹ تفکیکی، بانضمام یک باب انباری مسکونی قطعه ۱۹ تفکیکی به مساحت ۱/۷۵ متر مربع واقع در سمت شرق طبقه زیرزمین به پلاک ثبتی ۵۷۲۵۶ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۳۹۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان‌ها و آئین‌نامه اجرایی آن برابر شماره چاپی ج ۰۸۰۸۵۷ ج ۹۶ و شماره الکترونیکی ۰۴۶۶۴۰۰۳۰۱۰۷۸۰ و ۱۳۹۷۲۰۳۰ برابر سند قطعی شماره ۲۴۴۰۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۶ دفترخانه شماره ۱۱۸۰ شهر تهران به نام آقای نادر کاوسی ثبت و صادر گردیده است. - نام‌برده با اعلام مفقودی به علت اسباب‌کشی در خواست المثنی سند مالکیت پلاک موضوع را نموده است. لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه‌دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی‌شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید. میم الف: ۱۴۹۱۶ - شناسه آگهی: ۲۳۰۴۲۲۴

حمیده عباسیان - سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران از طرف زیبا حاتموند